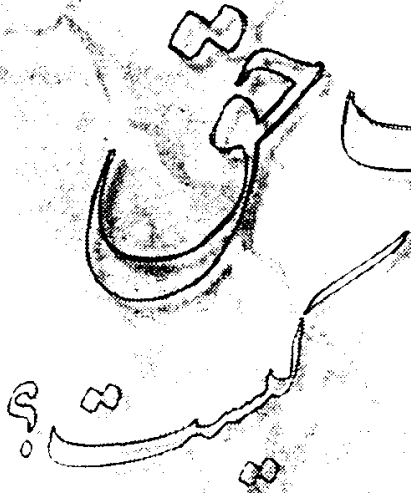


شفا عت

شفا عت



بخش اول

حجت الاسلام سید محمد باقر علوی تهرانی

«شفاعت» در لغت به معنای جفت شدن به چیزی است. و در اصطلاح به این معناست "یک عده ای به دلایل خاصی نزد خداوند وساطت میکنند که ضرری را از افرادی دفع کنند و یا منفعتی را برسازند". شفاعت یا تمام مشتقاتش در قرآن کریم ۳۰ بار تکرار شده است اما آیات قرآن کریم پیرامون شفاعت با یک نظر کلی به ۶ دسته تقسیم می شود:

دسته اول: آیاتی است که به نظرمی رسد شفاعت را بطور کلی نفی می کند سوره مدثر آیه ۴۸ می فرماید: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»؛ برای اینها منفعتی ندارد شفاعت شفاعت کننده ها". و عده ای که منکر شفاعت هستند به این آیه تمسک می کنند آیه دیگر در سوره بقره آیه ۲۵۴ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمَ لَابِئْسَ فِيهِ وَالْأَخْلَىٰ وَلَا شَفَاعَةَ» قرآن در بیان آیه زکات می فرماید ای کسانی که ایمان آوردید از آن اموالی که ما به شما دادیم و مستحق زکات است زکات را ببرد ازید قبل از اینکه یک روزی فرا برسد که نه معامله ای وجود داشته باشد و نه دوستی و شفاعتی. گروهی به این آیات استناد کرده اند و گفته اند ما



شفاعت نداریم و نفی مطلق کرده اند. در حالیکه ما حق نداریم قرآن را هر طور که دلمان می خواهد تفسیر بکنیم. پیامبر (ص) می فرماید که: «أَمَا نَزَلَ كِتَابُ اللَّهِ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا: قرآن بعضی قسمتهایش قسمتهای دیگر را تأیید می کند» یعنی ما باید آیات را در کنار هم قرار بدهیم تا بتوانیم معنای واقعی آیه را پیدا بکنیم و این کار هر کسی نیست.

وجود نازنین امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ»، در قرآن بعضی قسمتها، قسمت دیگر را توضیح میدهد. برطبق گفته های ایشان باید آیات را کنار یکدیگر بگذاریم تا بفهمیم قرآن چه می گوید.

ما در رابطه با آیه اول که می فرماید «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ» شفاعت نفی ندارد. این آیه را در سایه آیات قبلی تفسیر می کنیم در سوره مبارکه مدثر، اهل بهشت از دوزخیان سؤال میکنند « مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ » چرا در جهنم آمدید؟ در جواب به چهار عنصر اشاره می کنند: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» ما نماز نمی خواندیم «وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ» ما به مساکین اطعام نمی کردیم «كُنَّا نَخْوُضُ مَعَ الْخَافِضِينَ» ما عمرمان را به بطالت یا بظالین گذراندیم «وَكُنَّا نَكْتُمُ يَوْمَ الدِّينِ» ما روز قیامت را هم انکار می کردیم. این چهار تا خصوصیت را داشتیم تا چه زمان؟ «حَتَّى آتَيْنَا الْيَقِينَ» تا وقتی که مردیم. قرآن می فرماید «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ» ای پیغمبر من اگر تو هم برای اینها شفاعت کنی من نمی پذیریم. چون اینها خصوصیتش را ندارند، نه اینکه شفاعتی وجود ندارد، شفاعت در حال اینها سود ندارد. پس نفی مطلق شفاعت نیست و این خلاف تفسیری شد که بعضی ها از این آیه استفاده کردند. در قیامت موجودات دو دسته هستند یا کافرند یا مؤمن اند بین کفار پیوند دوستی وجود ندارد اما بین مومنین پیوند دوستی وجود دارد. لذا اگر آیه می فرماید «لَا خَلَّةَ» ناظر به حال کفار است چون آنها هستند که در قیامت رفاقت باهم ندارند لذا در ادامه که می فرماید «وَلَا شَفَاعَةَ» یعنی شفاعت در حق کفار نیست نه اینکه اصلاً شفاعت نیست، بلکه در حق کفار شفاعت نمی شود. بنابراین یک دسته از آیات اگر چه ناظر است به نفی مطلق شفاعتند اما با دستور العمل پیغمبر که بعضی از آیات را در کنار بعضی دیگر

قرار بدهیم می فهمیم که چنین معنایی وجود ندارد. **دسته دوم:** از آیات که نحوه خاصی از شفاعت را نفی می کند عبارتند از: (سوره بقره آیه ۴۸) «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصرون» می فرمایند از آن روزی بترسید که هیچ کس را جای هیچ کس دیگر مجازات نمی کنیم، در آن روز شفاعت قبول نمی شود. «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ»، از شما عدل و بدلی هم قبول نمی کنیم «وَلَا هُمْ يُنصرون» نصرتی هم آنجا وجود ندارد. گروهی به این آیه استدلال کرده اند و این معنا را برداشت کرده اند که شفاعت نیست. این آیه در رابطه با یهود است یهودیها در طول تاریخ بسیار آدمهای متکبری هستند، می گویند ما تافته جدا بافته همه خلقت هستیم اصلاً ما هستیم و اگر هم دیگران هستند در سایه اذن ما است، یک مورخان تکبرشان این مطلب است که یهودی ها میگویند ما بخاطر انتسابمان به پیغمبران حتما مورد شفاعت قرار می گیریم و گناهانمان بخشیده می شود. در این آیه می فرمایند «وَاتَّقُوا يَوْمًا» بترسید از آن روزی که «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً» شفاعت پیامبران را در حق شما نمی پذیریم، بنابراین اگر این دسته از آیات هم شفاعت رانفی می کند، منظور آن نوع خاصی از شفاعت است که یهود به آن قائل بودند.

دسته سوم: از آیات نظیر این آیه ناظر به این معناست: (سوره یونس آیه ۱۸) «وَيَعِدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» بت پرستها غیر خدا را می پرستند، می گویند ما اینها را می پرستیم، تا آنان را از خودمان خشنود بکنیم بعد آنها در قیامت از ما شفاعت می کنند، قرآن کریم می فرماید شما حرفی می زنید که خدای آسمانها و زمین از آن خبری ندارد یعنی از شفاعت اینها خبری نرسیده است، بنابراین این دسته از آیات نازل به نفی شفاعت بت است، تاریخ جاهلیت عرب حکایت از این می کند که آنان از سنگ و چوب و فلز موجوداتی را می ساختند و آنها را می پرستیدند، نه به عنوان "الله" به عنوان شفیع بین خودشان و الله، می گفتند ما که



واسطه ای با خدا نداریم، ما که رابطه ای با خدا نداریم این بتها را واسطه قرار می دهیم. خداوند می فرماید چرا این بتها را واسطه قرار می دهید اینها که خودشان هم نمی توانند مراقبت کنند، اینها نه نفی برای خودشان دارند نه برای دیگران، نه ضرری از خودشان دفع می کنند نه از دیگران، این هم دسته سوم از آیات.

اما دسته چهارم: از آیات ناظر به این هستند که شفاعت مخصوص ذات اقدس الهی است فقط و فقط خداوند است که می تواند شفاعت کند و لا غیر، سوره انعام آیه ۷۰ «لِیس لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ» غیر از خدا نه سرپرستی در قیامت هست نه شفیع یعنی شفاعت را قبول دارند ولی می گویند که فقط در ذات خداوند است. سوره زمر آیه ۴۴ «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَوْ كَانَ لِلَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَمَا كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَنْبَغِينَ عَلَيْهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ» تمام شفاعت مال خداست و هابییون به همین آیه تمسک می کنند و نفی شفاعت از دیگران می کنند می گویند فقط خدا حق شفاعت دارد چرا در مورد پیامبر میگویند که ایشان شفاعت می کند با او مردود تمام شد و فقط شفاعت مخصوص خداست «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا».

دسته پنجم: از آیات می فرماید؛ شفاعت امری است مسلم حق خدا هست اما دیگران هم می توانند شفاعت بکنند، ناظر است به اینکه یک عده ای هستند که به اذن خداوند شفاعت می کنند، (سوره بقره آیه ۲۵۵) «

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» چه کسی میتواند نزد خداوند و به اذن او شفاعت کند؟ یعنی یک تعدادی از موجودات هستند که در روز قیامت به اذن خداوند شفاعت می کنند خدا اجازه شفاعت را صادر می کند اگر خدا از آنها راضی باشد و تعهد گرفته باشد، خدا به آنها اجازه می دهد که شفاعت بکنند آیات مختلفی است که در این زمینه وجود دارد پس دسته پنجم از آیات آن طوایفی هستند که آن شفاعت را برای دیگران هم ثابت می کنند می گویند دیگران به اذن خداوند حق شفاعت دارند.

و دسته ششم: آیات اسم برخی از گروه های شفیع را نام می برد، می فرماید اینها شفاعت می کنند (سوره نجم آیه ۲۶) «وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شِفَاعَتُهُمْ شَيْئًا» چه بسیارند ملائکه و فرشتگانی که در آسمانها زندگی می کنند ولی شفاعتشان در مورد بعضی ها قبول نمی شود از این آیه معلوم است که ملائکه می توانند شفاعت بکنند در مورد بعضی قبول می شود در مورد بعضی قبول نمی شود ملک را به عنوان یکی از شفاعت روز قیامت نام می برد.

در نتیجه از کنار هم قرار دادن این آیات عقیده شیعه پیرامون شفاعت بدست می آید.

حال مگر ما نگفتیم شفاعت خاص خداوند است پس چگونه شفاعت را برای دیگری قائلیم؟

پاسخ این سؤال را در شماره بعد بخوانید

